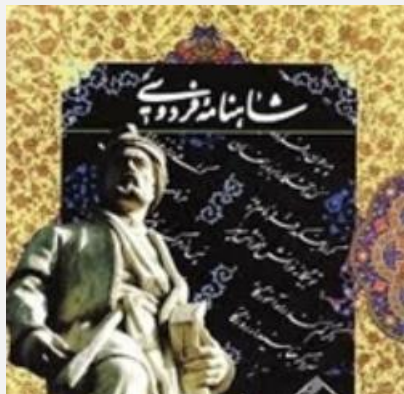


چرا می‌گویند شاهنامه آخرش خوشه؟

اما این سؤال پیش می‌آید که با وجود پایان تلخ و شکست ایرانیان از اعراب در پایان شاهنامه، چرا این ضرب‌المثل در بین مردم رواج یافته است؟



همشهری‌آتلاین: شاهنامه آخرش خوشه از معروف‌ترین ضرب‌المثل‌های فارسی است.

اما این سؤال پیش می‌آید که با وجود پایان تلخ و شکست ایرانیان از اعراب در پایان شاهنامه، چرا این ضرب‌المثل در بین مردم رواج یافته است؟

به گزارش ایسنا، ضرب‌المثل‌ها از گذشته تا امروز در زندگی مردم و ارتباط کلامی آن‌ها جایگاه خاص خود را دارند. بیش‌تر ضرب‌المثل‌های رواج‌یافته در بین مردم از یک اتفاق یا روایت تاریخی نشأت می‌گیرند و در زندگی واقعی گذشتگان ریشه دارند؛ اتفاق‌هایی که سینه به سینه نقل شده و با گذشت زمان به ضرب‌المثل تبدیل شده‌اند.

حسن انوری در فرهنگ امثال سخن می‌گوید: این ضرب‌المثل اشاره‌ی طنزآمیز به کاری دارد که برخلاف انتظار شخص پیش می‌رود و پایان خوشایندی ندارد. در واقع در این کتاب این ضرب‌المثل به عنوان یک جمله‌ی معکوس در مورد یک ماجرا با پایان ناخوشایند به کار می‌رود.

به باور برخی از افراد هم این جمله را اعراب که در پایان شاهنامه با شکست یزدگرد بر ایرانیان پیروز می‌شوند، وارد ضرب‌المثل‌های ایرانی کرده‌اند. البته این باور در هیچ کتاب و پژوهشی سندیت تاریخی ندارد و به نظر بسیاری از پژوهشگران ادبیات مردود است.

در کتاب‌های مختلفی که درباره‌ی شاهنامه، سیر داستان‌ها و پایان آن نوشته شده، به این ضرب‌المثل اشاره شده است. در این کتاب‌ها خوش خوانده شدن آخر شاهنامه حاوی نوعی نگاه کنایی به شکست ایرانیان از اعراب و پایان اقتدار سلسله‌ی ساسانیان با شکست و مرگ یزدگرد است. شاهنامه چگونه به پایان رسید محمد محیط طباطبایی و شاهنامه آخرش خوش است محمدابراهیم باستانی پاریزی از جمله‌ی این کتاب‌ها هستند.

کتاب ریشه‌های تاریخی امثال و حکم نوشته‌ی مهدی پرتوی آملی که به بررسی تاریخی ریشه‌های ضرب‌المثل‌های ایرانی پرداخته شده، علت رواج این جمله را این می‌داند که در گذشته هر کس شاهنامه می‌خواند و به ستایش سلطان محمود غزنوی می‌رسید، از همت سلطان در تحسین شاهنامه خوشحال می‌شد؛ اما با پایان یافتن شاهنامه و فهمیدن حق‌ناشناسی سلطان محمود در قبال فردوسی و کتابش، متوجه اشتباه خود می‌شد. این روایت بعدها به ضرب‌المثل تبدیل شد و عاقلان به هر کس که دست به کار نابخردانه‌ای بزند و اصرار بر ادامه‌ی آن داشته باشد، می‌گویند: شاهنامه آخرش خوش است.

در این‌باره نظریات متناقضی هم وجود دارد. به عنوان مثال محمدعلی اسلامی ندوشن در این‌باره معتقد است: این ضرب‌المثل کنایی نیست و اشاره به هسته‌ی اصلی شاهنامه یعنی جنگ‌های ایرانیان و تورانیان دارد. او اعتقاد دارد که خوش بودن پایان شاهنامه مربوط به حمله‌ی اعراب و شکست ساسانیان نیست، بلکه به پیروزی نهایی پهلوانان ایرانی بر لشکر توران اشاره دارد که البته این پیروزی در قسمت‌های میانی شاهنامه و در بخش پهلوانی آن است و به آخر شاهنامه که مربوط به بخش تاریخی می‌شود، ربطی ندارد.

محیط طباطبایی در کتاب شاهنامه چگونه به پایان رسید نظر دیگری هم در رابطه با این ضرب‌المثل دارد. در گذشته وقتی نقالان از خواندن یک دوره‌ی کامل شاهنامه فارغ می‌شدند، در مجلس نقل شاهنامه جشن کوچکی برپا می‌شد و کسانی که مدت‌ها با اشتیاق دل به داستان‌ها و حماسه‌سازی‌های پهلوانان ایران‌زمین می‌سپردند، بساط شیرینی و چای را فراهم می‌کردند و معتقد بودند که هرچند پایان کار ایرانیان در آخر شاهنامه خوش نیست، اما به پایان رساندن نقالی کامل این کتاب شایسته‌ی شادمانی است.

برخی نویسندگان و پژوهشگران شاهنامه هم مفهوم کنایی این ضرب‌المثل را مربوط به رفتار سلطان محمود غزنوی و طرد فردوسی و کتابش از دربار می‌دانند. آن‌ها معتقدند، این جمله به داستان‌های شاهنامه ربطی ندارد و به سرگذشت فردوسی و رانده شدنش پس از 30 سال تلاش برای سرودن شاهنامه اشاره دارد.

آنچه از پایان بخش پهلوانی و تاریخی شاهنامه می‌توان فهمید، این است که با کشته شدن رستم، نام‌دارترین پهلوان ایرانی و همچنین شکست ایرانیان از اعراب، پایان داستان‌های این اثر ماندگار برای مردم ایران خوش نیست. با این وجود، خلق این کتاب توسط فردوسی و داستان‌های زیبا و حماسی آن که در دلاوری و خصایص نیکوی پهلوانان و اساطیر ایرانی ریشه دارد، برای همیشه برای ایرانیان خوشایند خواهد بود.